

الزامات توسعه تجارت ایران در سناریوی عدم توافق با آمریکا^۱



۱- این گزارش شامل یک نسخه دوم است که سناریوی توافق احتمالی ایران و آمریکا را مورد بررسی قرار می‌دهد.



مركز پژوهش های اتاق ایران

الزامات توسعه تجارت ایران در سناریوی عدم توافق با آمریکا

مدیریت دیپلماسی اقتصادی و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: مرداد ۱۴۰۵

واژگان کلیدی: تنوع بخشی هدفمند، شرکای اقتصادی، کریدور شمال-جنوب، ارزهای

محلی، نظام های پرداخت جایگزین، هوشمندسازی گمرکات

شناسه گزارش: RC-1405-MEF-E2-PP-1237

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

مركز پژوهش های هادر شبکه های اجتماعی:

Instagram: @rc.iccima.ir

Telegram: @rc_iccima

Twitter: @rc_iccima

فهرست مطالب

۵	خلاصه مدیریتی
۷	مقدمه
۸	سناریوی عدم توافق؛ حفظ بقای ژئواکونومیک در تنش پایدار ژئوپلیتیک
۹	الزامات توسعه تجارت با شرکای راهبردی
۱۰	بستر روابط دوجانبه با شرکای راهبردی
۱۸	الزامات توسعه تجارت منطقه‌ای
۲۳	الزامات فرابخشی توسعه تجارت
۳۲	جمع‌بندی

خلاصه مدیریتی

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی الزامات توسعه تجارت ایران در سناریوی عدم توافق ایران با آمریکا است. در چنین سناریویی، مهم‌ترین یافته‌ها حاکی از آن است که عدم توافق ایران و آمریکا به معنای توقف تجارت خارجی ایران نیست، بلکه به تغییر محیط ژئواکونومیک تجارت ایران منجر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در بردارنده ریسک‌هایی مانند ناامنی و اختلال در کریدورهای ترانزیتی برای انتقال کالا، تداوم محدودیت‌های مالی و بانکی و افزایش هزینه مبادلات و در عین حال، شکل‌گیری برخی فرصت‌ها مانند تعمیق روابط اقتصادی با شرکای بین‌المللی، استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری سازمان‌های بین‌المللی نوظهور، امکان توسعه و تنوع‌بخشی به کریدورهای ترانزیتی، تسریع روند عملیاتی‌سازی نظام‌های پرداخت جایگزین دلار، شکل‌گیری پیوندهای تجاری با شرکای جدید و تقویت همکاری‌های ترانزیتی با کشورهای اوراسیاست.

توصیه‌های سیاستی:

- تنوع‌بخشی هدفمند به شرکای اقتصادی با اولویت همسایگان، آسیای مرکزی، چین، روسیه، هند، ترکیه، آفریقا و اعضای بریکس و تبدیل ایران از صادرکننده مواد خام به شریک در زنجیره‌های ارزش این کشورها.
- توسعه دیپلماسی کریدوری با تمرکز بر تکمیل کریدور شمال-جنوب (به‌ویژه راه‌آهن رشت-آستارا)، بندر چابهار، اتصال ریلی به همسایگان، فعال‌سازی مسیرهای زمینی شرقی و غربی، و کاهش صف‌های مرزی و هزینه خواب کامیون‌ها.
- کاهش آسیب‌پذیری تحریم از طریق گسترش استفاده از ارزهای محلی، پیمان‌های پولی دوجانبه با روسیه، چین، ترکیه، عراق و پاکستان، اتصال تدریجی به سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین و سازوکارهای تهاتر و تخصیص مستقیم ارز صادراتی.
- تقویت دیپلماسی مالی با همکاری بانک‌های منطقه‌ای، نظام‌های پرداخت جایگزین (مانند شتاب - میر)، نهادسازی برای تأمین مالی مشترک و بهره‌گیری از ظرفیت بانک توسعه جدید



بریکس.

- دیپلماسی فناوری با هدف انتقال فناوری از کشورهای آسیایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و مشارکت در زنجیره‌های ارزش چین و روسیه در حوزه‌های معدن، پتروشیمی، انرژی و فناوری‌های نوین.
- دیپلماسی صادرات با تمرکز بر کالاهای با ارزش افزوده بالا، توسعه برندهای ایرانی و بهره‌گیری از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و ترجیحی در چارچوب اوراسیا و بریکس.
- ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده میان‌دستگاهی برای دیپلماسی اقتصادی و تدوین سند راهبرد ملی تعامل با نهادهای نوظهور، با میدان دادن بیشتر به بخش خصوصی.
- تسهیل کسب‌وکار بخش خصوصی در حوزه ترانزیت، هوشمندسازی گمرکات، رفع گلوگاه‌های فرایندی و حرکت از اقتصاد واکنشی به اقتصاد پیش‌بینانه در مدیریت زنجیره تأمین.



مقدمه

در ابهام راهبردی ناشی از وضعیت نه جنگ نه توافق میان ایران و آمریکا، فعالان بخش خصوصی ایران و به‌ویژه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با این سوال مواجه هستند که در شرایطی که از یک طرف، امید به دستیابی به توافق بر سر بازگشایی تنگه هرمز به عنوان شرط احیای تفاهم ایران و آمریکا وجود دارد، و از طرف دیگر، احتمال ورود ایران و آمریکا به دوره جدیدی از تنش‌های تصعید یافته ژئوپلیتیک به خصوص بعد از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا در آبان ماه ۱۴۰۵ همچنان وجود دارد، چگونه می‌توان از فرصت‌های واقعی اقتصادی استفاده کرد و جایگاه ایران را در شبکه روابط اقتصادی منطقه‌ای و جهانی ارتقا داد.

باید پذیرفت که آمریکا همچنان یکی از بازیگران اصلی نظام مالی، فناوری و تجاری جهانی است و روابط آن با کشورهای منطقه، به‌ویژه همسایگان ایران، می‌تواند بر فضای رقابتی پیرامونی ایران اثرگذار باشد. از سوی دیگر، ایران در سال‌های گذشته روابط اقتصادی خود را با کشورهایی مانند چین و روسیه توسعه داده است و هرگونه تغییر در مناسبات ایران و آمریکا می‌تواند بر توازن میان سیاست نگاه به شرق، تعامل با غرب و راهبرد تنوع‌بخشی شرکای اقتصادی اثر بگذارد. طراحی یک راهبرد مؤثر دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به شناسایی فرصت‌ها و آسیب‌های تحقق سناریوی عدم توافق ایران و آمریکا بینجامد. این پژوهش می‌تواند به اتاق بازرگانی در تدوین رویکردهای راهبردی برای حمایت از بخش خصوصی و توسعه تعاملات اقتصادی بین‌المللی در شرایط عدم توافق ایران و آمریکا یاری رساند.

بر این اساس، مسئله محوری این پژوهش آن است که الزامات توسعه تجارت ایران در صورت عدم توافق نهایی ایران و آمریکا چیست؟ در واقع، سوال این است که دیپلماسی اقتصادی ایران چگونه باید بازطراحی شود تا ضمن توجه به مدیریت ریسک‌های ناشی از عدم توافق و در نتیجه، تداوم تنش‌های ژئوپلیتیک، بتواند از فرصت‌های ژئواکونومیک در جهت ارتقای تجارت خارجی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و جایگاه‌یابی ایران در اقتصاد جهانی بهره گیرد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی الزامات توسعه تجارت ایران در مواجهه با تحولات پیچیده ژئوپلیتیک ناشی از سناریوی عدم توافق بین ایران

و آمریکاست. سوالات فرعی این پژوهش این است که عدم توافق ایران و آمریکا چه پیامدهایی برای محیط بین‌المللی و منطقه‌ای ایران ایجاد خواهد کرد و در سناریوی عدم توافق، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی تجارت ایران در بستر دیپلماسی اقتصادی ایران چیست و نهایتاً بر اساس فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از عدم توافق با آمریکا الزامات راهبردی و اجرایی برای توسعه تجارت ایران در بستر تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران چیست؟

سناریوی عدم توافق؛ حفظ بقای ژئواکونومیک در تنش پایدار ژئوپلیتیک

سناریوی عدم توافق میان ایران و ایالات متحده به معنای استمرار وضعیت رقابت راهبردی همراه با تنش‌های کنترل‌شده یا تشدیدشونده است؛ وضعیتی که در آن نه مسیر بازگشت به یک توافق جامع هموار می‌شود و نه دو طرف وارد یک تقابل نظامی تمام‌عیار می‌شوند. تجربه خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و تحولات سال‌های بعد نشان داده است که روابط ایران و آمریکا بیش از آنکه میان دو قطب «توافق کامل» و «جنگ» در نوسان باشد، در یک طیف از رقابت، بازدارندگی، فشار اقتصادی، اقدامات محدود نظامی و مذاکرات مقطعی جریان دارد. از این رو، سناریوی عدم توافق بیش از آنکه به معنای بازگشت به شرایط گذشته باشد، ورود به یک محیط راهبردی جدید است که ویژگی اصلی آن، همزمانی فشار اقتصادی، رقابت ژئوپلیتیکی، بازآرایی ائتلاف‌های منطقه‌ای و افزایش نقش بازیگران غیرغربی در تعاملات اقتصادی ایران است. در چنین محیطی، اقتصاد ایران همچنان تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های مالی، بانکی و فناوری قرار خواهد داشت و هزینه مبادلات خارجی، دسترسی به سرمایه خارجی و انتقال فناوری در سطح بالایی باقی می‌ماند.

در واقع مسئله اصلی این است که اگر در آینده کوتاه مدت میان ایران و آمریکا توافقی شکل نگیرد، چگونه می‌توان بقای ژئواکونومیک ایران را در شرایط تنش پایدار ژئوپلیتیک حفظ کرد؛ یعنی عرصه تجارت ایران را همچنان زنده نگه داشت و در صورت امکان، راهکارهای جدیدی پیش‌روی فعالان بخش خصوصی قرار داد تا بر مشکلات عدیده کنونی فائق آیند؟ این سوال در نوع خود سوال عجیبی است؛ چرا که ظاهراً به دنبال کنار هم نشاندن دو پدیده ذاتاً متضاد از جنس آتش و پنبه یعنی فعالیت اقتصادی و تنش نظامی است. به میزانی که تنش پایدار ژئوپلیتیک در مناسبات ایران و آمریکا عادی

شود، حفظ بقای ژئواکونومیک ایران دشوارتر خواهد شد؛ چرا که عادی شدن درگیری‌های نظامی گاه و بی‌گاه میان ایران و آمریکا آن‌گونه که بعد از اعلام آتش‌بس و امضای تفاهم‌نامه شاهد بودیم، به این معناست که نه تنها ثبات حداقلی لازم برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی وجود ندارد، بلکه هر لحظه امکان تصعید بحران و حرکت به سمت سناریوهای مخرب و فاجعه‌بار مانند جنگ زیرساختی، اشغال زمینی و محاصره گسترده دریایی و زمینی وجود دارد. در شرایطی که هر کدام از این سناریوها محقق شود، سخن گفتن از توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در ایران بسیار سخت خواهد بود و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، می‌توان به حفظ بقای ژئواکونومیک ایران امیدوار بود.

اگر فرض را بر این بگذاریم که اقتصاد ایران از وضعیت اقتصاد زیر تحریم به وضعیت اقتصاد زیر تحریم و زیر سایه تنش پایدار ژئوپلیتیک با آمریکا وارد شده است، لازم است نوعی بازآرایی و بازاندیشی در رویکردها و راه‌حل‌های تجویزی پیشین که در صدد کاهش آثار تحریم بر اقتصاد کشور بودند صورت گیرد و به رویکردها و راه‌حل‌هایی اندیشید که در صدد کاهش آثار تنش‌های پایدار ژئوپلیتیک بر محیط ژئواکونومیک ایران هستند. ایران برای حفظ جریان تجارت خارجی در محیط ژئواکونومیک جدید که مملو از ریسک‌های ژئوپلیتیک کنترل‌شده یا تشدیدیابنده ناشی از تداوم سناریوی عدم توافق با آمریکا است باید به الزامات کنترل‌کننده در سه سطح روابط با شرکای راهبردی، شرکای منطقه‌ای و پویایی‌های فرابخشی تجارت ایران توجه کند که در ادامه بررسی می‌شوند.

الزامات توسعه تجارت با شرکای راهبردی

منظور از روابط با شرکای راهبردی، روابط دوجانبه با کشورهایی مانند چین و روسیه و روابط چندجانبه با مجموعه‌های بین‌المللی غیرغربی مانند شانگهای، بریکس و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. سوال این است که این بازیگران غیرغربی چه کمکی به اقتصاد زیر تحریم و زیر سایه تنش‌های پایدار ژئوپلیتیک ایران خواهند کرد؟ در پاسخ به این سوال ابتدا می‌توان از شکل‌گیری نوعی الگوی رفتاری نزد این بازیگران سخن گفت که بر اساس آن، قدرت بزرگ رقیب آمریکا (چین) از قدرت متوسط درگیر با آمریکا (ایران) حمایت محتاطانه به عمل می‌آورد؛ چرا که این درگیری هم می‌تواند فرساینده توان نظامی و اقتصادی قدرت آمریکا باشد، هم تمرکز آمریکا بر منازعه ژئوپلیتیک با این کشورها را از اولویت

خارج کند و هم زمینه ارزیابی عملیاتی آنها از راهبردها و امکانات نظامی آمریکا را در یک درگیری واقعی فراهم کند.

اگر این منطق رفتاری را برای چین و روسیه فرض بگیریم، می‌توان این کشورها را شریک محتاط ایران در منازعه با آمریکا دانست و بر این اساس، انتظار حمایت‌های اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی و حتی نظامی محدود از آنها داشت. طبعاً چین و روسیه از یک طرف، خواهان وارد شدن درگیری نظامی با آمریکا بر سر ایران نیستند و از طرف دیگر، تمایل ندارند اقتصاد ایران به عنوان کشوری با ذخایر عظیم طبیعی و انسانی و موقعیت چهارراهی در نقطه اتصال کریدورهای ترانزیتی شمال - جنوب و شرق - غرب زیربار فشارهای ژئوپلیتیکی آمریکا فروپاشد و به متحد آمریکا تبدیل شود. بنابراین حمایت‌های محتاطانه چین و روسیه از ایران تداوم خواهد داشت و این مسئله می‌تواند تجارت خارجی ایران را از برخی تنگناهای ژئوپلیتیکی و ترانزیتی خارج کند. توسعه تجارت ترکیبی میان چین و ایران (ریلی - زمینی - دریایی) از مسیرهای شمالی و شمال شرقی ایران می‌تواند به تداوم صادرات کالاها و اقلام حیاتی به ایران و احیاناً صادرات ایران به چین در شرایط تداوم تنش‌های ژئوپلیتیک در مناطق جنوبی ایران کمک کند. تداوم مناسبات تجاری با روسیه از طریق بنادر امیرآباد، کاسپین و نوشهر در دریای خزر به خصوص واردات کالاهای اساسی مانند روغن‌های خوراکی و مواد پتروشیمی می‌تواند تاب آوری اقتصادی ایران را در شرایط تداوم تنش‌های ژئوپلیتیک با آمریکا افزایش دهد. در ادامه به بررسی دقیق تر روابط دوجانبه با چین و روسیه به عنوان شرکای راهبردی ایران می‌پردازیم.

بستر روابط دوجانبه با شرکای راهبردی

چین

چین به عنوان شریک راهبردی جامع ایران، در سناریوی عدم توافق با آمریکا نقشی محوری در تاب آوری تجاری کشور ایفا می‌کند. فعالان بخش خصوصی ایران در نشست با رئیس مجلس در آستانه سفر به چین (۲۷ خرداد ۱۴۰۵)، بیش از ۳۰ پیشنهاد عملی برای ارتقای سطح روابط با چین از تأمین مالی و پیمانکاری به سرمایه‌گذاری مشترک ارائه کردند. در این نشست که با محوریت «همکاری پایدار

اقتصادی ایران و چین» برگزار شد^۱، پیشنهادهای کلیدی در هفت محور اصلی ارائه شد. نخست، همسویی استراتژیک با افق چین (۲۰۳۵ و ۲۰۵۰) شامل درک الگوی توسعه چین در حوزه‌های هوش مصنوعی، فناوری‌های پیشرفته و خودروهای برقی، هماهنگ‌سازی سند همکاری ایران-چین با این افق، تبدیل ایران به هاب منطقه‌ای خلیج فارس و اوراسیا و مرکز اتصال چین به غرب آسیا، و ایجاد مناطق ویژه همکاری ایران و چین در مناطق ویژه اقتصادی برای افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری.

دوم، تبدیل ایران از صادرکننده مواد خام به تولیدکننده با ارزش افزوده با تمرکز بر مشارکت در زنجیره‌های ارزش، لجستیک، انرژی، معدن و فناوری‌های نوین و ایجاد ثبات قوانین سرمایه‌گذاری خارجی برای محیط امن سرمایه‌گذاران چینی. سوم، تغییر رویکرد از پیمانکاری به سرمایه‌گذاری واقعی؛ چینی‌ها تاکنون بیشتر پیمانکار و تأمین‌کننده مالی بوده‌اند تا سرمایه‌گذار مستقیم و باید برنامه قوی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم تدوین شود. ایجاد نهاد تخصصی برای ارتباط شرکت‌های ایرانی و چینی و تبدیل ایران به سرپل تأمین قطعات و تجهیزات برای چین از جمله پیشنهادهای این محور است.

چهارم، پیشنهادهای زیرساختی و لجستیکی شامل ایجاد شهرک‌های لجستیک برای تسهیل امور گمرکی، حمل‌ونقل و مبادلات مالی، توسعه بندر چابهار به عنوان هاب صادرات (یکی از پروژه‌های پیشران معدنی)، تشکیل کنسرسیوم‌های مشترک در حوزه تجهیزات بندری و لجستیک دریایی، توجه ویژه به حمل‌ونقل ریلی و افزایش پروازهای مستقیم (شرکت هواپیمایی ماهان آمادگی افزایش از ۳۲ به ۳۵ پرواز هفتگی را دارد).

پنجم، حوزه‌های تخصصی پیشنهادی: در معدن ۳۷ پروژه احصا شده که چهار پروژه پیشران شامل توسعه چابهار، عناصر نادر خاکی، بهره‌برداری عمق بیش از ۱۰۰۰ متر و تأمین ۲۵ هزار دستگاه ماشین‌آلات معدنی است. در مس، سه پیشنهاد شامل مشارکت در معادن کوچک و متوسط با انتقال

۱- نشست اتاق بازرگانی با قالیباف؛ ۳۰ پیشنهاد برای توسعه روابط با چین (۲۷ خرداد ۱۴۰۵)، www.mehrnews.com/x3cmxS

فناوری، احداث پارک زنجیره ارزش مس و تأمین تجهیزات ساخت داخل مطرح شده است. در پتروشیمی که ۵۴ درصد صادرات پتروشیمی ایران به چین است، تشکیل کمیته‌های تخصصی بخش خصوصی و ایجاد شبکه‌های حداقل سه‌جانبه (ایران-چین + ترکیه/پاکستان/قطر) پیشنهاد شده است. در صنعت برق و سایر حوزه‌ها نیز پایش اسناد همکاری، الگوبرداری از کریدور اقتصادی چین-پاکستان، مشارکت بخش خصوصی در تدوین اسناد و تقویت جایگاه ایران در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (AIIB) مورد تأکید قرار گرفته است.

ششم، نهادسازی و سیاست‌گذاری شامل نیاز به فرماندهی واحد و متمرکز برای سیاست‌گذاری روابط با چین (بدون ایجاد نهادهای موازی)، ایجاد نهادهای واسطه مالی (صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک) برای تسهیل تأمین مالی، میدان دادن بیشتر به بخش خصوصی و شکل‌گیری رابطه برنده-برنده مبتنی بر یادگیری سازمانی و ارتقای فناوری. هفتم، دیدگاه‌های کلان مبنی بر اتصال قدرت نظامی به دیپلماسی و اقتصاد و نیاز ایران آینده به مدیران عمل‌گرا و نتیجه‌گرا. بخش خصوصی بیش از ۳۰ پیشنهاد عملی برای ارتقای سطح روابط از تأمین مالی و پیمانکاری به سرمایه‌گذاری مشترک، قرار گرفتن در زنجیره ارزش چین، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و ایجاد سازوکارهای نهادی ارائه کرد. تأکید اصلی بر ثبات قوانین، نقش‌آفرینی بخش خصوصی، همسویی با افق توسعه‌ای چین و تبدیل ایران به شریک راهبردی واقعی چین بود.

سفیر چین در ایران نیز در یادداشت اختصاصی به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد تأسیس روابط دیپلماتیک و دهمین سال اعلام مشارکت جامع راهبردی، بر آمادگی چین برای ایفای نقش سازنده در بازگرداندن صلح و آرامش به خاورمیانه تأکید کرده است. چین تاکنون بیش از پنجاه هزار نفر نیروی حافظ صلح به مأموریت‌های سازمان ملل متحد اعزام کرده و در بیست و نه عملیات حفظ صلح مشارکت داشته است. طرف چینی اهمیت فراوانی برای توسعه روابط دوجانبه قائل است و آمادگی دارد با تشریک مساعی با طرف ایرانی، اعتماد متقابل سیاسی را تحکیم بخشد، همکاری‌های عملی را تعمیق کند، تبادلات انسانی و فرهنگی را گسترش دهد و روابط مشارکت راهبردی جامع را

در مسیر ثبات، پایداری و توسعه بلندمدت پیش برد.^۱

در حوزه ترانزیت، بندر خشک خورگوس در مرز چین و قزاقستان به عنوان گره حیاتی کریدور میانی اوراسیا مطرح است. این بندر نه فقط یک نقطه مرزی، بلکه یک هاب لجستیکی پیشرفته با حکمرانی مشترک چین-قزاقستان است که الگوی موفق جذب سرمایه، استانداردسازی دیجیتال و کاهش موانع بوروکراتیک را نشان می‌دهد. دو مسیر اصلی تجاری ایران-چین از طریق خورگوس وجود دارد: مسیر تمام‌ریلی (از بندر ایوو یا شیان ← خورگوس ← قزاقستان ← ازبکستان ← ترکمنستان ← ایران/بندر آپرین) با زمان حمل حدود دو ماه و هزینه ۶۰۰۰ دلار برای هر کانتینر که مزیت تاب‌آوری در برابر ریسک‌های ژئوپلیتیک جنوبی را دارد اما با گلوگاه بوروکراتیک ترکمنستان و ترافیک سنگین در گره شیان مواجه است؛ و مسیر ترکیبی ریلی-دریایی (از اورومچی ← خورگوس ← قزاقستان ← بندر آکتائو ← بندر امیرآباد) با هزینه حدود ۷۸۰۰ دلار که از تنها دو کشور عبور می‌کند اما با کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری شمال ایران و ظرفیت محدود کشتی‌ها روبه‌روست. بندر آکتائو در سال ۲۰۲۴ بیش از سه برابر سال قبل کانتینر پردازش کرده، در حالی که امیرآباد هنوز در مرحله پتانسیل باقی مانده است.^۲

روسیه

روسیه در شرایط تحریم‌های غربی، تجربه موفقی در انتقال تجارت خود به ارزهای ملی و سامانه‌های پرداخت مستقل دارد. پس از جنگ دوازده‌روزه تابستان ۱۴۰۴ اسرائیل و آمریکا بر ضد ایران، تهران و مسکو روابط عمیق‌تر سیاسی، اطلاعاتی و اقتصادی پیدا کردند.^۳

در حوزه هسته‌ای و زیرساختی، ایران ابتدا اعلام کرد روسیه ۵ نیروگاه هسته‌ای جدید می‌سازد و

۱- سفیر چین در ایران، یادداشت اختصاصی ایرنا به مناسبت ۵۵مین سالگرد روابط دیپلماتیک و ۵۵مین سال مشارکت جامع راهبردی، <https://irna.ir/xjXQHQ>

۲- بررسی ظرفیت‌های بندر خورگوس قزاقستان به منظور تقویت روابط تجاری ایران و چین (گزارش اتاق بازرگانی). https://www.tccim.ir/downloadfile?file=fl_fl&source=ec.۲۱۸۳

۳- نیکیتا سماگین، مرکز کارنگی روسیه-اوراسیا؛ «جنگ دوازده‌روزه ایران فقط همکاری‌اش با روسیه را تقویت کرده است» (نوامبر ۲۰۲۵). <https://carnegieendowment.org/russia-eurasia/politika/russia-iran-۱۱/۲۰۲۵/deterrence-plans>

سپس رقم را به ۸ رساند. روسیه تأیید کرده است که قرارداد ۲۵ میلیارد دلاری برای ساخت نیروگاه هسته‌ای هرمز امضا شده و روی طراحی نیروگاه‌های کوچک‌تر هم کار می‌کنند. ایران با تملک زمین، زمینه ساخت راه آهن رشت - آستارا به عنوان حلقه کلیدی کریدور شمال-جنوب را فراهم کرده است. دریافت گاز روسیه از طریق آذربایجان در ماه‌های آینده آغاز می‌شود و چند شرکت بزرگ روسی آماده ورود به بازار ایران هستند و «شرایط ویژه» از سوی دولت ایران گرفته‌اند.

سهم تسویه با ارزهای ملی در تجارت روسیه با سایر اعضای بریکس از ۲۶ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۸۵ درصد افزایش یافته و در تجارت دوجانبه چین و روسیه، سهم معاملات یوان-روبل به ۹۲ درصد رسیده است. این تجربه می‌تواند برای ایران الگوساز باشد.^۱ پیمان پولی ایران و روسیه با اتصال شبکه‌های پرداخت شتاب و میر در حال عبور از مرحله توافق به زیرساخت عملیاتی است و پیش‌بینی می‌شود حداکثر ظرف دو ماه (تا مهر ۱۴۰۵) اتصال کامل انجام شود.^۲ احیای تجارت با روبل پس از وقفه‌ای سه‌ساله و امکان حواله سریع از طریق بانک‌های روسی به مقاصد مختلف (آفریقا، کشورهای CIS، آمریکای لاتین و هند) در مقابل انتقال چهارماهه تراستی‌ها، از ظرفیت‌های عملیاتی مهم این رابطه است.^۳

بستر روابط نهادی

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس، بستر مهم نهادی برای کاهش وابستگی به نظام‌های غربی محسوب می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سازمان همکاری شانگهای: یکی از پیشنهادات ایران در اجلاس اخیر وزرای دارایی و روسای

1- Lyu Yang (2026): Innovating the global payment system through “greater BRICS cooperation”. Asian Review of Political Economy 5 (1).

۲- ایرنا، «آخرین وضعیت خط ربلی رشت-آستارا/ رئیس‌جمهور شخصاً پیگیر است»، ۳ مرداد ۱۴۰۵ (مصاحبه با کاظم جلالی، سفیر ایران در روسیه). <https://irna.ir/xjXRnbo>

۳- نائب رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه: احیای مجدد تجارت با روبل در مبادله تجاری با روسیه (آذرماه ۱۴۰۴) [NizS/https://www.irib-news.ir](https://www.irib-news.ir) و علیرضا پیمان‌پاک؛ روسیه می‌تواند همین الان برای ما پول به آفریقا، کشورهای CIS، کشورهای آمریکای لاتین و هند حواله کند (مرداد ۱۴۰۵). <https://eghtesad120.ir/?p=27343>

بانک‌های مرکزی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در شهر «بیشکک» قرقیزستان (۸ خرداد ۱۴۰۵) تأسیس «بانک توسعه شانگهای» با سرمایه‌گذاری به ارزهای ملی و ایجاد نظام‌های تسویه حساب مستقل بود که مورد استقبال اعضا قرار گرفت و مقرر شد مدل‌های پیشنهادی تهران برای بررسی بیشتر به دبیرخانه موقت سازمان ارجاع داده شود.

در پیشنهاد رسمی ایران برای تأسیس «بانک توسعه شانگهای» آمده است که این نهاد باید «با بهره‌گیری از ارزهای ملی کشورهای عضو در ساختار سرمایه و مجهز به سیستم‌های مستقل تسویه حساب تجاری و مالی» شکل می‌گیرد. بنابر اعلام هیئت ایرانی، این بانک می‌تواند مدل‌های مختلفی را برای انجام تسویه‌های تجاری، تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی (به‌ویژه کریدورهای حمل و نقل و انرژی) و تقویت همکاری میان بانک‌های مرکزی اعضا پوشش دهد. در این راستا، اعضای نشست توافق کردند که مدل‌های ارائه‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در دستور کار بررسی، ارزیابی و اقدام توسط دبیرخانه موقت بانک سازمان همکاری شانگهای قرار گیرد.

یکی دیگر از مباحث مطرح در اجلاس بیشکک، گسترش استفاده از ارزهای ملی در تسویه حساب‌های دوجانبه و چندجانبه بود. بر اساس بیانیه‌های پایانی، اعضا بر لزوم «گسترش استفاده از پول‌های ملی در تسویه حساب‌های متقابل و توسعه سازوکارهای عملی تعامل میان بخش‌های مالی» تأکید کردند. همچنین تصمیم گرفته شد تا سیاست‌های پولی به‌گونه‌ای هماهنگ شود که از سیستم‌های بانکی کشورهای عضو در برابر نوسانات مالی جهانی محافظت کند.^۱

در راستای بهره‌گیری از ظرفیت اقتصادی شانگهای، مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در اجلاس سالانه هیأت مدیره شورای بازرگانی شانگهای در بیشکک قرقیزستان (۳ تیر ۱۴۰۵) به تشریح وضعیت اقتصادی ایران پس از حملات در جنگ ۱۲ روزه و رمضان پرداخت و با عنایت به فرصت‌های بالقوه ایران به علاوه موضوعات مربوط به بازسازی و ارائه پیشنهاد تشکیل همایشی برای توسعه همکاری‌های کشورهای عضو سازمان و استفاده از این فرصت جهت تحکیم

۱- پیشنهاد تهران برای خنثی سازی تحریم‌ها در سازمان شانگهای، (۱۱ خرداد ۱۴۰۵)، <https://mehrnews.com/>
xrccKr

روابط چندجانبه پرداخت. حریری تأکید کرده است که ایران خواهان برگزاری نشست شورای بازرگانی سازمان شانگهای در تهران تا پایان سال ۲۰۲۶ برای مشارکت در بازسازی بعد از جنگ است و قرار است فرصت‌های بازسازی در ایران برای کشورهای عضو شانگهای تشریح شود.^۱

اتحادیه اقتصادی اوراسیا: این اتحادیه امکان بهره‌گیری از تعرفه‌های ترجیحی، هماهنگی استانداردها و دسترسی ترجیحی به بازار کشورهای عضو را ایجاد می‌کند. توافق‌نامه تجارت آزاد ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (حذف تعرفه ۸۷ درصد کالاها) می‌تواند مسیر تجارت ایران را تسهیل کند، اما به‌تنهایی برای رسیدن به هدف ۲۰ میلیارد دلاری کافی نیست؛ چرا که اقتصاد ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید به سمت سازگاری و تکامل‌پذیری بیشتری حرکت کنند. جدول زیر شاخص تکامل‌پذیری تجاری (TCI) ایران با کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا (انطباق صادرات ایران با واردات کشورهای اوراسیا) را می‌سنجد.

جدول ۱. شاخص تکامل‌پذیری تجاری (TCI) ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (صادرات ایران به جهان و واردات کشورهای اتحادیه اوراسیا از جهان به درصد)

کشور	۲۰۲۱	۲۰۲۲	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۵
روسیه	۱۱،۴۲	۱۰،۰۷	۹،۴۰	۱۳،۲۱	۱۱،۶۹
قزاقستان	۱۲،۲۴	۱۳،۵۷	۹،۷۳	۱۵،۳۵	۱۴،۱۰
قرقیزستان	۱۳،۷۳	۱۰،۹۸	۸،۸۷	۱۴،۰۴	۱۲،۹۱
ارمنستان	۱۴،۴۴	۱۳،۶۸	۱۰،۴۰	۱۲،۹۵	۷،۸۳
بلاروس	۸،۸۷	۷،۶۴	۶،۴۵	۹،۵۱	۹

(منبع: ظرفیت‌های تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اتاق بازرگانی تهران)^۲

داده‌های جدول بالا درباره شاخص تکامل‌پذیری تجاری ایران و کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا نشان می‌دهد که ظرفیت بالقوه تجارت ایران با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سطح

۱- سخنرانی رئیس بخش ملی ایران در اجلاس سالانه هیات مدیره شورای بازرگانی سازمان همکاری شانگهای، (۳ تیر ۱۴۰۵)، <https://tinyurl.com/۲۹qerx۴r>

۲- گزارش «ظرفیت‌های تجارت ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا»، (اتاق بازرگانی تهران - تیر ۱۴۰۵)، <https://www.tccim.ir/downloadfile?filepdf&source=ec.۲۱۸۴>

کشورها یکسان نیست. در دوره زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵، قزاقستان با میانگین حدود ۱۳ بالاترین سطح تکامل‌پذیری تجاری با ایران را داشته و پس از آن قرقیزستان، ارمنستان، روسیه و بلاروس قرار گرفته‌اند. قزاقستان و قرقیزستان، به‌ویژه در سال ۲۰۲۴، مقادیر بالایی از شاخص را ثبت کرده‌اند که می‌تواند بیانگر ظرفیت مناسب‌تر برای توسعه تجارت باشد. در مقابل، ارمنستان با کاهش قابل توجه شاخص از ۱۴,۴۴ در سال ۲۰۲۱ به ۷,۸۳ در سال ۲۰۲۵، روندی نزولی را تجربه کرده است. روسیه نیز روندی باثبات‌تر داشته و شاخص آن از ۱۱,۴۲ به ۱۱,۶۹ افزایش یافته است. بلاروس در تمام دوره پایین‌ترین سطح را داشته است. از این رو، داده‌ها نشان می‌دهند که سیاست توسعه تجارت ایران با اوراسیا نباید صرفاً بر حجم تجارت موجود متمرکز باشد، بلکه باید کشورهای را که از تناسب ساختاری بیشتری میان صادرات ایران و نیازهای وارداتی خود برخوردارند، در اولویت قرار دهد. با این حال، شاخص تکامل‌پذیری یک شاخص ظرفیت بالقوه است و برای تعیین اولویت نهایی سیاست تجاری باید در کنار حجم تجارت، مزیت نسبی، تعرفه‌ها، هزینه حمل‌ونقل، موانع غیرتعرفه‌ای و امکان دسترسی مالی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

بریکس: بریکس را نمی‌توان گروه منسجمی از کشورها با رویکردها و مواضع مشابه نسبت به جنگ اسرائیل و آمریکا بر ضد ایران دانست.^۱ به نظر جیم اونیل وزیر خزانه داری سابق بریتانیا و رئیس سابق مدیریت دارایی گلدمن ساکس تأکید دارد که این جنگ، موقعیت ژئوپلیتیک چین، هند و سایر قدرت‌های نوظهور را به‌طور قابل توجهی تقویت کرده است. چرا که منجر به جابه‌جایی تعادل استراتژیک به سمت شرق و قدرت‌های نوظهور مانند چین و هند خواهد شد. از نظر او، بریکس فرصت دارد خود را به‌عنوان رهبر اجتناب‌ناپذیر نظم جهانی نوظهور معرفی کند.^۲

از طرف دیگر، بریکس در حال ظرفیت‌سازی‌های جدید در حوزه ساز و کارهای جدید پولی و مالی است که در آینده می‌تواند برخی مشکلات تبادلات مالی ایران را کاهش دهند. در واقع، بریکس

1- <https://thedi diplomat.com/2026/04/iran-war-tests-brics-and-reveals-its-limits/>

2- Jim O'Neill (2026) The Iran War Is a Boon for the BRICS, Project Syndicate, <https://www.project-syndicate.org/commentary/iran-war-boon-for-the-brics-especially-china-india-by-jim-o-neill-2026-04>

با تمرکز بر نظام‌های پرداخت جایگزین (از جمله سامانه پرداخت بریکس^۱ مبتنی بر بلاک‌چین و ارزهای محلی)، بانک توسعه جدید^۲ با تعهد ۱۵ میلیارد دلاری برای وام‌دهی به ارزهای محلی در دوره ۲۰۲۶-۲۰۲۸ و افزایش سهم تسویه با ارزهای محلی در تجارت درون‌گروهی به بیش از ۲۵ درصد، می‌تواند ظرفیت تاب‌آوری مالی ایران را در شرایط بلندمدت افزایش دهد. ایران تنها عضو بریکس است که هم‌زمان در هر سه محور حمل‌ونقل اوراسیا قرار دارد: محور شمال-جنوب (اتصال روسیه و دریای خزر از طریق ایران به خلیج فارس و هند)، محور شرق-غرب (اتصال چین و آسیای مرکزی از طریق سرخس و اینچه‌برون به رازی و استانبول)، و محور خلیج فارس-دریای سیاه (از بنادر خلیج فارس تا کریدور ارس و دریای سیاه که بدون ایران جایگزینی ندارد).^۳ تقویت حضور فعال ایران در این نهادها و تبدیل عضویت به همکاری‌های عملیاتی در حوزه‌های لجستیک، انرژی، فناوری و مالی از الزامات اصلی توسعه تجارت ایران در شرایط عدم توافق با آمریکا است.

الزامات توسعه تجارت منطقه‌ای

عراق

عراق یکی از مهم‌ترین بازارهای همسایه برای صادرات غیرنفتی ایران است. اقتصاد عراق به شدت وابسته به نفت (۹۰ درصد درآمد دولت از نفت) و وابسته به صادرات از تنگه هرمز (۳۰۶ میلیون بشکه در روز در ۲۰۲۵) است. با وجود درآمدهای نفتی، عراق با محدودیت‌های ساختاری جدی مانند نرخ پایین مشارکت اقتصادی (۴۱٫۵ درصد) مواجه است. در سال ۲۰۲۵، عراق ۹۸۰۲ میلیارد دلار صادرات و ۵۱۰۲ میلیارد دلار واردات داشته است و چین، ترکیه و هند بزرگ‌ترین شرکای تجاری عراق هستند. ایران با سهمی بیش از ۱۷ درصد از صادرات غیرنفتی در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴، دومین مقصد صادراتی عراق و چهارمین صادرکننده کالا به عراق (با سهم ۱۴٫۱ درصد) بوده است. با این حال، رقاباتی مانند چین و

1- BRICS Pay

2- New Development Bank

۳- پیشنهاد راهبردی ایران به بریکس، خبرگزاری فارس (پیام تصویری فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی به سومین اجلاس وزرای حمل‌ونقل کشورهای عضو بریکس در ناگیور هند - ۲۰ تیر ۱۴۰۵)، <https://farsnews.ir/Mo>, DB/B4%/183782170317330970/hammadhosseini

ترکیه رشد صادراتی بیشتری داشته‌اند. توسعه روابط ایران و عراق نیازمند حل مشکلات بانکی، تسهیل رویه‌های گمرکی، گسترش تجارت مرزی، بهره‌گیری از ظرفیت پیمان‌های پولی دوجانبه و تمرکز بر کالاهای با ارزش افزوده بالا است. تشکیل تیم‌های مشترک مطالعاتی و استفاده از ظرفیت‌های فراوان تعاملات اقتصادی منطقه می‌تواند سهم ایران را در بازار عراق پایدارتر کند.

پروژه‌های زیرساختی کلیدی در این محور در حال انجام است. مرحله نخست راه‌آهن کرمانشاه-خسروی (حداصل کرمانشاه تا اسلام‌آباد غرب به طول ۱۱۵ کیلومتر) در صورت تأمین اعتبار ۴۰ همتی تا پایان ۱۴۰۶ به بهره‌برداری می‌رسد. این خط بخشی از کریدور شرق-غرب است که از سرخس آغاز شده و به عراق و سوریه امتداد می‌یابد و اتصال نهایی آن نیازمند احداث ۱۵ کیلومتر خط در خاک عراق است.^۱

ترکیه

ترکیه هم به‌عنوان شریک تجاری مهم ایران و هم به‌عنوان مسیر ترانزیتی به اروپا اهمیت دارد. مرزهای شمال‌غرب ایران (بازرگان، رازی، آستارا، نوردوز و جلفا) ایران را به ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان متصل می‌کنند و نقش مکمل در دور زدن محدودیت‌های دریایی ایران ایفا می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد روزانه بیش از ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ کامیون از مرز بازرگان عبور می‌کنند و ظرفیت سالانه این گذرگاه‌ها گاه از یک میلیون کامیون فراتر می‌رود. حجم مبادلات سالانه این مسیرها حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن برآورد می‌شود.^۲

تجربه تحریم‌های دریایی نشان داد که حمل‌ونقل زمینی و ترکیبی (ترانشیپمنت) می‌تواند ریسک توقیف یا توقف بار را به‌طور معناداری کاهش دهد. در این مدل، کالا با کامیون یا قطار به کشور واسطه منتقل شده و سپس با اسناد و پرچم جدید از بنادر آن کشور به بازارهای اروپا، آفریقا یا روسیه ارسال می‌شود. این رویکرد سهم حمل‌ونقل زمینی و ترکیبی را به ۱۵ تا ۲۰ درصد کل جابه‌جایی

۱- ایرنا، «تاکید بر یکپارچه‌سازی زیرساخت‌های کریدوری اعضای تراسیکا»، ۸ اسفند ۱۴۰۳؛ ایرنا، <https://irna.ir/xjSYyV>

۲- مهر، «تاب‌آوری تجاری؛ چرا مرزهای شمال‌غرب برای اقتصاد ایران حیاتی هستند؟»، <https://mehrnews.com/x3bWs0>

کالا رسانده است. با این حال، چالش‌هایی مانند صف‌های طولانی کامیون‌ها (متوسط ۲۱ روز در بازارگان و ۱۵ روز در دوغارون)، تفاوت فرآیندهای گمرکی و هزینه بالای حمل در مسیرهای طولانی همچنان وجود دارد. پول خواب کامیون‌ها در مرزها ماهانه دست‌کم ۱۰ میلیون دلار برآورد می‌شود.^۱

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

با وجود تنش‌های سیاسی، ظرفیت تجارت با کشورهای حاشیه خلیج فارس (به‌ویژه عمان) قابل توجه است. عمان به‌عنوان شریک نسبتاً بی‌طرف، می‌تواند نقش واسطه در تجارت و سرمایه‌گذاری ایفا کند. یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق مشترک ایران و عراق و عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران بر ضرورت تشکیل تیم مطالعاتی راهبردهای اقتصادی پساجنگ و استفاده از ظرفیت ۲ تا ۳ هزار میلیارد دلاری تعاملات اقتصادی منطقه و کشورهای حاشیه خلیج فارس (فراتر از بهره‌برداری ۶۰ میلیارد دلار فعلی) تأکید دارد.^۲ تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی فعال و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی برای احیای روابط تجاری ضروری است.

پاکستان

پاکستان با بازگشایی شش مسیر تجاری زمینی کلیدی، بخشی از محدودیت‌های دریایی ایران را خنثی کرده است. در هفته‌های گذشته، حدود ۳ هزار کانتینر متوقف‌شده در بندر کراچی از طریق مسیرهای زمینی (از جمله میرجاوه و ریمدان) راهی ایران شده‌اند. این اقدام بر مبنای توافق‌نامه ایران و پاکستان و با امکان جابه‌جایی بین کانتینری و نظارت گمرکی انجام شده است. بندر گوادر نیز ظرفیت مناسبی برای جابه‌جایی کالا ایجاد کرده است. کارشناسان بر این نظرند که علی‌رغم برخی محدودیت‌های لجستیکی در مسیرهای ترانزیتی ایران و پاکستان، این تحول را می‌توان نقطه عطفی در توسعه همکاری‌های تجاری پاکستان و ایران دانست.^۳

۱- ایرنا، «تاب‌آوری یک استراتژی برای بقای همه بنگاه‌ها است»، ۵ خرداد ۱۴۰۵ (رویداد تخصصی تاب‌آوری لجستیک در اتاق تهران). <https://irna.ir/xjXqqB>

۲- آل‌اسحاق، یحیی. ضرورت تشکیل تیم مطالعاتی راهبردهای اقتصادی پساجنگ در اتاق ایران (اتاق ایران آنلاین)؛ <https://otaghiranonline.ir/news/۸۹۵۱۷>

۳- مهر، «اختلال تجارت در تنگه هرمز؛ تغییر آرایش ژئواکونومیک منطقه آغاز شده است». <https://mehrnews>

در ماه‌های اخیر مرزهای شرقی ایران مانند ریمدان، میرجاوه و پیشین به‌عنوان محورهای اصلی مبادلات ایران با پاکستان مورد توجه قرار گرفته و بر افزایش ظرفیت پذیرش کامیون و واگن، تطبیق ساعات کاری مرزها و تبادل الکترونیکی اسناد گمرکی تأکید شده است.^۱ جدای از موضوع کریدورهای مرزی، ظرفیت سرمایه‌گذاری پاکستان در بندر چابهار و ایجاد منطقه آزاد مشترک نیز مورد توجه مقامات دو کشور قرار گرفته است. مهدی حیدری معاون وزیر اقتصاد و رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری خارجی ایران در دیدار با ساجد منظور اسدی معاون وزیر اقتصاد پاکستان بر اهمیت تسهیل بسترهای بانکی برای ارتقای همکاری‌های اقتصادی دو کشور، ظرفیت بالا برای سرمایه‌گذاری پاکستان در چابهار، حضور فعالان اقتصادی پاکستان در ایران و ضرورت ایجاد منطقه آزاد مشترک تأکید کرد.^۲

افغانستان

کریدور ترانزیتی سه‌جانبه تاجیکستان-افغانستان-ایران نیز در حال عملیاتی شدن است. وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان اعلام کرده است که نخستین محموله تجاری به شکل آزمایشی طی یک ماه آینده از این مسیر عبور خواهد کرد. این مسیر که بر اساس توافق مشهد شکل گرفته، کالاهای تاجیکستان و ایران را از خاک افغانستان عبور می‌دهد و هدف آن تسهیل انتقال کالا، کاهش موانع ترانزیتی و تقویت دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به بنادر جنوبی ایران (از جمله چابهار) است. همانطور که شکل زیر نشان می‌دهد، مسیر پیشنهادی دوشنبه-بختر-نیرتی-بیانیج-شیرخان بندر-کابل-زرنج-چابهار می‌تواند نقش افغانستان را در شبکه حمل‌ونقل منطقه افزایش دهد.^۳

com/x3bWrp

۱- همان.

۲- ایرنا، «چابهار می‌تواند به عنوان دروازه‌ای برای دسترسی قزاقستان به بازارهای جهانی ایفای نقش کند»، <https://www.mehrnews.com/xrcmMv>، مهر، «چابهار، قطب جدید همکاری‌های ایران و پاکستان»، irna.ir/xjTztJ

۳- فرارو، «زمان آزمایش کریدور ترانزیتی تاجیکستان، افغانستان و ایران» (بر اساس اعلام وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان)، <https://fararu.com/fa/tiny/news-991669>

شکل ۱- مسیر پیشنهادی برای افزایش نقش افغانستان در شبکه حمل‌ونقل منطقه



آسیای مرکزی و قفقاز

قزاقستان با سرمایه‌گذاری هدفمند و حکمرانی پویا، در سال ۲۰۲۴ بیش از سه برابر سال قبل کانتینر پردازش کرده و به یک قطب تجاری فعال در اوراسیا تبدیل شده است. با اجرا شدن قرارداد سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیون دلاری برای احداث مرکز لجستیکی ۱۵ هکتاری در بندر شهید رجایی با تمرکز بر فعالیت‌های کانتینری، حمل بار فله و ترانزیت ریلی، پیش‌بینی می‌شود سالانه حدود ۱۰۵ میلیون تن بار ترانزیتی میان ایران و قزاقستان جابه‌جا شود. بر اساس توافقات صورت گرفته میان مقامات ایران و قزاقستان طرف ایرانی زمین و زیرساخت‌های اولیه را فراهم خواهد کرد و سرمایه‌گذار قزاقستانی عملیات ساخت، محوطه‌سازی و تأمین تجهیزات را بر عهده خواهد داشت.^۱

وزیر راه و شهرسازی در سفر به قزاقستان بر توسعه همکاری‌های متقابل تأکید کرد و از واگذاری ۱۵ هکتار اراضی بندر شهید رجایی به بخش خصوصی قزاقستان و درخواست متقابل واگذاری اراضی در بنادر آکائو، کوریک و منطقه ویژه خورگوس خبر داد. همچنین تأسیس مراکز لجستیک قزاقستان

۱- ایرنا، «حضور هیات قزاقستان در بندر شهید رجایی؛ چشم‌اندازی روشن در توسعه همکاری‌های اقتصادی»، <https://irna.ir/xjXGfj۶> و ایرنا، «قزاقستان در بندرعباس لنگر می‌اندازد»، <https://irna.ir/xjXGsQ>

در بنادر امیرآباد، انزلی، آستارا و چابهار نیز پیش‌بینی شده است. این همکاری‌ها در راستای افزایش سهم ترانزیت و حمل‌ونقل ریلی در برنامه هفتم توسعه قرار دارد و مسیر ریلی از بندر آکتائو از طریق ترکمنستان و گذرگاه‌های اترک و سرخس به بندرعباس را فعال می‌کند.^۱ بندر چابهار به‌عنوان دروازه اقیانوسی خارج از منطقه پرتلاطم خلیج فارس، ظرفیت راهبردی بالایی دارد. سفیر قزاقستان در ایران در دیدار با فرماندار چابهار تأکید کرده که چابهار می‌تواند دروازه دسترسی این کشور به بازارهای جهانی باشد. این بندر با ظرفیت فعلی ۸۰۵ میلیون تن تخلیه و بارگیری و امکان پهلوگیری کشتی‌های پهن‌پیکر، آماده میزبانی سرمایه‌گذاران چین، هند، پاکستان، افغانستان، عمان و روسیه است. اتصال راه‌آهن چابهار-زاهدان به شبکه ریلی کشور، دسترسی کشورهای آسیای میانه به اقیانوس هند را تسهیل می‌کند.^۲

الزامات فرابخشی توسعه تجارت

دیپلماسی اقتصادی

جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، از یک طرف، نقش قدرت نظامی به عنوان ضامن بقای کشور در شرایط تجاوز خارجی را آشکار کرد و از طرف دیگر، نشان داد که بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی نقش مهمی در تاب‌آوری ملی و در واقع، ایجاد بازدارندگی غیرنظامی در مقابل فشارهای اقتصادی بر ضد ایران دارد. بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی در شرایط عدم توافق پایدار با آمریکا، نه‌تنها یک انتخاب سیاستی بلکه الزامی راهبردی برای کاهش آسیب‌پذیری تحریمی، توسعه همکاری‌های چندجانبه و ارتقای تاب‌آوری تجاری کشور است.^۳

دیپلماسی اقتصادی هوشمندانه می‌تواند هزینه‌های اقدام نظامی علیه ایران را برای مهاجمان و متحدان

۱- ایرنا، «تأکید بر توسعه همکاری‌های ترانزیتی / ۴۰ هکتار اراضی بندری برای سرمایه‌گذاری واگذار می‌شود» <https://irna.ir/xjXBmh> و روابط عمومی اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان، «هیچ بن‌بستی در راه‌های مواصلاتی کشور وجود ندارد». <https://shahidrajaeepport.pmo.ir/fa/news/۷۲۵۵۸>

۲- ایرنا، «چابهار می‌تواند به عنوان دروازه‌ای برای دسترسی قزاقستان به بازارهای جهانی ایفای نقش کند»؛ <https://www.mehrnews.com/x3cmMv> irna.ir/xjTztJ مهر، «چابهار، قطب جدید همکاری‌های ایران و پاکستان».

۳- سرخیل، بهنام (۲۰۲۵): بازخوانی راهبرد دیپلماسی اقتصادی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه؛ تأکید بر ظرفیت‌های بریکس. In دانش سیاسی ۲۱ (۲)، pp. ۶۶۴-۶۶۹. DOI: ۱۰.۳۰۴۹۷/pkn/۲۰۲۶,۲۴۸۸۶۵,۳۲۹۹

منطقه‌ای آن‌ها افزایش دهد و مانعی ساختاری در شرایط تکرار حملات ایجاد کند. نقطه آغاز این دیپلماسی، تقویت پایه‌های اقتصاد داخلی است: بدون ثبات نرخ ارز، کنترل تورم و کاهش ریسک‌های بانکی و حقوقی، هیچ پیمان اقتصادی خارجی دوام نمی‌یابد. در عین حال، تنوع‌بخشی هدفمند به شرکای تجاری و انرژی - به‌ویژه با قدرت‌های نوظهور - بنیانی از منافع متقابل ایجاد می‌کند که ثبات ایران را برای این کشورها دارای اهمیت اقتصادی می‌سازد.

الگوی مطلوب دیپلماسی اقتصادی باید سه‌بعدی باشد: ساختاری (ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده میان‌دستگاهی)، محتوایی (تمرکز بر مزیت‌های ژئواکونومیک و قدرت نرم) و اجرایی (تدوین سند راهبرد ملی تعامل با نهادهای نوظهور). گذار از رویکرد امنیت‌محور به رویکرد توسعه‌محور با پیشرانی دیپلماسی اقتصادی، شرط اصلی ایفای نقش فعال ایران در نظم ژئواکونومیک چندقطبی است. با این حال باید توجه داشت که بازسازی اقتصاد پساجنگ باید همزمان بر دو محور پیش رود: احیای تجارت خارجی و اصلاح زیرساخت‌های داخلی. تجارت خارجی می‌تواند موتور اولیه خروج از بحران باشد، اما موفقیت آن مشروط به اصلاحات نهادی، تسهیل فرآیندهای گمرکی و ایجاد نظام‌های متنوع پرداخت است. در نهایت، دیپلماسی اقتصادی زمانی به بازدارندگی واقعی تبدیل می‌شود که منافع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ثبات ایران گره بخورد. تنها در این صورت، ایران قادر خواهد بود تاب‌آوری تجاری خود را حفظ کرده و به بازیگری مؤثر در نظم اقتصادی نوظهور تبدیل شود.

کریدورهای ترانزیتی

یکی از مهم‌ترین مباحث درباره کریدورهای ترانزیتی ایران، ضرورت توسعه کریدورهای جایگزین و بازطراحی زنجیره تأمین کالاهای اساسی در شرایط تهدید محاصره دریایی و عدم توافق با آمریکا است. در فضای افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیکی و احتمال اختلال گسترده در تنگه هرمز، تاب‌آوری زنجیره تأمین کالاهای اساسی ایران به یکی از اولویت‌های حیاتی حکمرانی کشور تبدیل شده است. تجربه بحران‌های اخیر نشان داده است که امنیت غذایی و پایداری بازار کالاهای ضروری تنها به میزان تولید داخلی یا ذخایر راهبردی وابسته نیست، بلکه کارآمدی شبکه لجستیک و قابلیت جایگزینی سریع

مسیرهای حمل و نقل در شرایط اضطراری نیز نقش تعیین کننده ای ایفا می کند. علی رغم این ضرورت انکارناپذیر، رتبه لجستیکی ایران در جهان بر اساس شاخص ال پی آی از ۶۴ در سال ۲۰۱۸ به ۱۲۳ در سال ۲۰۲۳ تنزل یافته است و باید با تدوین سند پشتیبان لجستیک و رفع موانع حضور فعالان بخش خصوصی مشکلات این حوزه را کاهش داد. جنگ ها، تحریم ها، ناامنی های منطقه ای و حتی حوادث طبیعی می توانند به سرعت منجر به اختلال در مسیرهای متعارف تجارت شوند. در چنین شرایطی، کشورهایی موفق تر عمل می کنند که از پیش شبکه متنوعی از مسیرهای تأمین، کریدورهای حمل و نقل و شرکای تجاری را طراحی کرده باشند. در شرایط عادی، تصمیم گیری در حوزه حمل و نقل باید بر اساس صرفه اقتصادی صورت گیرد، اما در شرایط بحرانی باید معادلات تاب آوری را جایگزین منطق صرف هزینه کرد.

یکی از عوامل تاب آوری ایران در دوران جنگ رمضان، تنوع مرزها به خصوص مرزهای شمال غرب و غرب بوده است. اگرچه این مرزها از نظر حجم با بنادر جنوبی قابل مقایسه نیستند، اما نقش حیاتی در حفظ جریان تجارت منطقه ای، کاهش وابستگی به خطوط کشتیرانی بین المللی و افزایش انعطاف پذیری زنجیره تأمین ایران دارند. شروط اصلی تبدیل این ظرفیت ها به دارایی استراتژیک پایدار برای ایران این است که این زیرساخت های ریلی و پایانه ای به سرعت تکمیل شوند، روند هوشمندسازی گمرکات سرعت گیرد، صف انتظار کامیون ها در مرزها کوتاه تر شود و مهم تر از همه، دیپلماسی اقتصادی با همسایگان غربی فعالانه دنبال شود.^۱

کریدورهای شرقی ایران نیز اهمیت فزاینده برخوردار شده اند چرا که اختلال در تنگه هرمز و افزایش محدودیت های دریایی، به تدریج منجر به تغییر آرایش ژئواکونومیک منطقه شده و اهمیت کریدورهای شرقی و مسیرهای زمینی جایگزین را بیش از پیش برجسته ساخته است. فشارهای دریایی آمریکا بر ایران که با هدف تشدید فشار اقتصادی طراحی شده بود، در عمل ظرفیت های

۱- مهر، «تاب آوری تجاری؛ چرا مرزهای شمال غرب برای اقتصاد ایران حیاتی هستند؟». <https://mehrnews.com/x3bW55> و ایرنا، «تاب آوری یک استراتژی برای بقای همه بنگاه ها است»، ۵ خرداد ۱۴۰۵ (رویداد تخصصی تاب آوری لجستیک در اتاق تهران). <https://irna.ir/xjXqqB>

مغفول‌مانده زمینی و ریلی کشور را فعال‌تر کرده است.^۱ در محور شرقی، پاکستان با بازگشایی شش مسیر تجاری زمینی کلیدی و انتقال حدود سه هزار کانتینر از بندر کراچی، بخشی از محدودیت‌های دریایی را خنثی کرد. کریدور سه‌جانبه تاجیکستان-افغانستان-ایران نیز در حال عملیاتی شدن است. بر اساس اعلام وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان، چالش کانتینرهای رسوبی (عمدتاً با منشأ چین) که به دلیل هزینه بالای بازگشت در بنادر و مراکز لجستیکی باقی مانده‌اند، مورد رسیدگی قرار گرفته و دستورالعمل تعیین تکلیف این کانتینرها تدوین شده است. همچنین ابلاغیه ستاد ملی گذر وزارت راه و شهرسازی ایران با عنوان «ابلاغیه تسهیل و استمرار تجارت خارجی با رویکرد مرز، محل عبور است» در ۹ ماده و ۳۸ تبصره آماده ابلاغ شده است که بر اساس آن، مشوق‌ها و حمایت‌هایی در جهت افزایش رقابت پذیری ترانزیت از مسیر ایران اعطا خواهد شد.^۲

در محور جنوبی، بندر شهید رجایی با موقعیت منحصربه‌فرد در نزدیک‌ترین نقطه به تنگه هرمز، ظرفیت پذیرش بیش از ۱۰۰ میلیون تن کالا در سال و ترمینال کانتینری پیشرفته (حدود ۶ میلیون TEU) را داراست و با بیش از ۸۰ بندر معروف جهان از طریق ۳۵ خط برتر کانتینری تبادل کالا دارد. قرارداد سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیون دلاری با قزاقستان برای احداث مرکز لجستیکی ۱۵ هکتاری در پسرکانه این بندر، گام مهمی است.^۳ از دیگر تعاملات ایران و قزاقستان در حوزه ترانزیتی، مذاکرات برای ایجاد «بندر خشک» در قزاقستان نیز با هدف سرعت‌بخشی به ترانزیت کالا از مبدأ چین، قزاقستان، ترکمنستان و ایران به آب‌های آزاد بوده است.

بندر چابهار نیز به‌عنوان دروازه اقیانوسی خارج از منطقه پرتلاطم خلیج فارس، ظرفیت تخلیه و بارگیری حدود ۸۰۵ میلیون تن را دارد و در صورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و به خصوص

۱- مهر، «اختلال تجارت در تنگه هرمز؛ تغییر آرایش ژئواکونومیک منطقه آغاز شده است». <https://mehrnews.com/x3bWrp>

۲- همان و فرارو، «زمان آزمایش کریدور ترانزیتی تاجیکستان، افغانستان و ایران» (بر اساس اعلام وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان). <https://fararu.com/fa/tiny/news-۹۹۱۶۶۹>، مهر، «کانتینرهای رسوبی در بنادر و مراکز لجستیکی تعیین تکلیف می‌شود» (نشست کمیته روان‌سازی ترانزیت ستاد ملی گذر). <https://mehrnews.com/x3ckvy>

۳- ایرنا، «حضور هیات قزاقستان در بندر شهید رجایی؛ چشم‌اندازی روشن در توسعه همکاری‌های اقتصادی»، <https://irna.ir/xjXGsQ> و ایرنا، «قزاقستان در بندرعباس لنگر می‌اندازد». <https://irna.ir/xjXFj۶>

با اتصال راه‌آهن چابهار-زاهدان به شبکه ریلی کشور در آینده، دسترسی کشورهای آسیای میانه به اقیانوس هند را تسهیل می‌کند.^۱ تجربه حملات اخیر به زیرساخت‌های بندری نشان داد که با وجود آسیب‌ها، جریان تخلیه و بارگیری و تأمین کالاهای اساسی بی‌وقفه ادامه یافته است. بهره‌گیری از ظرفیت بندر شمالی و پایانه‌های مرزی شرق و غرب، همراه با همت بخش خصوصی، تاب‌آوری شبکه ترابری را حفظ کرده است. در مجموع و همانطور که از جدول زیر بر می‌آید، فائق آمدن بر تنگناهای تجاری در شرایط عدم تحقق توافق ایران و آمریکا اولاً نیازمند متنوع‌سازی کریدورهای ترانزیتی و مسیرهای تجاری ایران با کشورهای منطقه و ثانیاً بازسازی و حتی توسعه کریدورهای جنوبی از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تکمیل زیرساخت‌های ریلی و پسکرانه‌ای، تسهیل فرآیندهای گمرکی و دیپلماسی لجستیک فعال با شرکای منطقه است.

جدول ۲- مقایسه شاخص‌های اصلی کریدورهای مرزی ایران

شاخص	بندر چابهار	بندر شهید رجایی	مرز بازرگان
ظرفیت/عبور	۸۰۵ میلیون تن	۱۰۰ میلیون تن/سال	۳۰۰۰-۳۵۰۰ کامیون/روز
ویژگی راهبردی	خارج از خلیج فارس	نزدیک‌ترین به هرمز	اتصال به ترکیه و اروپا
چالش اصلی	اتصال ریلی ناقص	ریسک اختلال دریایی	صف ۲۱ روزه
سرمایه‌گذاری اخیر	پیشنهاد منطقه آزاد مشترک	مرکز لجستیک قزاقستان (به ارزش ۲۵ میلیون دلار)	راه‌آهن کرمانشاه-خسروی

(منبع: نویسنده)

ساز و کارهای پولی و مالی

در سناریوی عدم توافق ایران و آمریکا، یکی از الزامات اساسی توسعه تجارت خارجی، کاهش آسیب‌پذیری نظام پرداخت و تأمین ارز کشور در برابر تحریم‌های مالی است. تحریم‌های بانکی و

۱- ایرنا، «چابهار می‌تواند به عنوان دروازه‌ای برای دسترسی قزاقستان به بازارهای جهانی ایفای نقش کند»، <https://www.mehrnews.com/x3cmMv>، مهر، «چابهار، قطب جدید همکاری‌های ایران و پاکستان». irna.ir/xjTztJ

محدودیت دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی پرداخت، صرفاً هزینه انتقال پول را افزایش نمی‌دهند، بلکه با انتقال بخشی از مبادلات به کانال‌های غیررسمی، شفافیت جریان ارز و توان سیاست‌گذار برای مدیریت بازار ارز را نیز کاهش می‌دهند. قطع دسترسی بانک‌های ایرانی به سوئیفت موجب گسترش استفاده از واسطه‌های ارزی و به تعبیر مصطلح در فضای رسانه ای ایران «تراستی‌ها» شده است؛ سازوکاری که اگرچه در کوتاه‌مدت و در شرایط اضطرار پایدار ناشی از تحریم‌ها، استمرار تجارت را ممکن کرده، اما در میان‌مدت به افزایش هزینه، تمرکز ریسک و تضعیف نظارت نهادی بر جریان‌های ارزی منجر شده است.^۱

از این منظر، تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های پرداخت باید در مرکز سیاست تجاری ایران قرار گیرد. گزینه‌هایی مانند خط سوآپ بانک مرکزی ایران و بانک مرکزی چین، ارتباط با بانک‌های چینی برای تسویه بر اساس یوان، اتصال تدریجی نظام بانکی کشور به سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین^۲، اتصال شبکه شتاب ایران به شبکه میر روسیه، استفاده از ارزهای محلی برای تجارت اعضای بریکس، سامانه پرداخت یکپارچه بریکس^۳ و دسترسی ایران به بانک توسعه جدید^۴ مطرح است که در جدول زیر وضعیت استفاده ایران از این ساز و کارها آمده است. همانطور که در جدول مشخص شده است، نظام بانکی ایران هنوز نتوانسته خود را با معیارها و شرایط بانک‌های چینی تطبیق دهد و از خدمات آنها بهره‌مند شود. در این راستا، باید عزم جدی در میان مسئولان امر شکل بگیرد تا شرایط بهره‌مندی از این ساز و کارهای مالی جایگزین دلار در بستری شفاف فراهم کنند. به عنوان نمونه، برخلاف سوئیفت که عمدتاً زیرساخت پیام‌رسانی مالی است، سامانه پرداخت بین بانکی فرامرزی چین علاوه بر پیام‌رسانی، فرآیند تسویه را نیز پوشش می‌دهد و امکان ثبت، گزارش‌دهی و نظارت ساختاریافته بر تراکنش‌ها را فراهم می‌کند. بنابراین، توسعه همکاری با این سامانه چینی می‌تواند

۱- رستم ضیایی، از سوئیفت تا تراستی‌ها؛ آیا CIPS راه خروج ایران از بن بست ارزی است؟ (بهمن ۱۴۰۴)، <https://civilica.com/note/19376/>

2- Chinese Cross-Border Interbank Payment System (CIPS)

3- BRICS Payment

4- New Development Bank

بخشی از پرداخت‌های خارجی ایران را از کانال‌های غیررسمی به مسیرهای رسمی تر و قابل کنترل‌تر منتقل کرده و هزینه مبادلات را کاهش دهد.^۱

جدول ۳- میزان استفاده ایران از ساز و کارهای مالی جایگزین دلار

وضعیت تا سال ۱۴۰۵	زیرساخت مالی جایگزین
وجود ندارد	خط سوآپ با بانک مرکزی چین (PBOC)
وجود ندارد	بانک چینی تسویه یوان در ایران
وجود ندارد	بانک ایرانی عضو مستقیم سامانه پرداخت بین بانکی فرامرزی چین (CIPS)
محدود (مورد استفاده در فروش نفت)	تسویه تجارت ایران-چین با یوان
در حال شکل گیری	اتصال SEPAM-SPFS با روسیه
در حال شکل گیری	اتصال Shetab-Mir
محدود ولی در حال گسترش	استفاده از ارزهای محلی با اعضای بریکس
وجود ندارد	سیستم پرداخت یکپارچه بریکس (BRICS Payment)
وجود ندارد	دسترسى ایران به بانک توسعه جدید (NDB)

(منبع: نویسنده)

در سطح منطقه‌ای، پیمان‌های پولی دوجانبه می‌توانند مکمل مهمی برای این راهبرد باشند. این پیمان‌ها با فراهم کردن امکان تسویه تجارت با ارزهای ملی، نیاز به ارزهای واسط مانند دلار و یورو را کاهش داده و وابستگی مبادلات دوجانبه به نظام مالی آمریکا را محدود می‌کنند. از این رو، تعمیق پیمان‌های پولی با کشورهایی مانند ترکیه، عراق و پاکستان، به‌ویژه در تجارت کالاهای پایه و اقلام راهبردی، باید به یکی از محورهای سیاست تجاری ایران تبدیل شود. تجربه بین‌المللی نیز ظرفیت این سازوکار را نشان می‌دهد؛ بر اساس پژوهش یانگ لیو، سهم تسویه با ارزهای ملی در تجارت روسیه با سایر اعضای بریکس از ۲۶ درصد در سال ۲۰۲۲ به ۸۵ درصد افزایش یافته و در تجارت

۱- رستم ضیایی، از سوئیفت تا تراستی‌ها؛ آیا CIPS راه خروج ایران از بن بست ارزی است؟ (بهمن ۱۴۰۴)، <https://civilica.com/note/19376/>

دوجانبه چین و روسیه، سهم معاملات یوان - روبل به ۹۲ درصد رسیده است. این روند در منابع مستقل نیز تأیید شده و نشان می‌دهد که تسویه با ارزهای ملی، در صورت وجود روابط تجاری پایدار، از عملیاتی‌ترین مسیرهای کاهش وابستگی به دلار است.^۱

در مورد ایران و روسیه، رویکرد نظام‌های پرداخت جایگزین در حال عبور از مرحله توافق به زیرساخت عملیاتی است. بنا به گفته کاظم جلالی سفیر ایران در روسیه، با اجرای فاز سوم پیمان پولی، اتصال کامل شبکه‌های پرداخت شتاب و میر حداکثر ظرف دو ماه (یعنی مهر ۱۴۰۵) پیش‌بینی شده است؛ اقدامی که می‌تواند تسهیل پرداخت‌های تجاری و تعمیق مبادلات مالی دو کشور را به همراه داشته باشد. این اتصال با موفقیت روسیه-چین در تسویه بیش از ۹۰ درصد تجارت دوجانبه با روبل و یوان هم‌راستا است.^۲

پیش از این نیز نائب‌رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه از احیای مجدد تجارت با روبل در مبادله تجاری ایران با روسیه پس از وقفه‌ای سه‌ساله خبر داد (۲۲ آذر ۱۴۰۴). او تأکید می‌کند که این اقدام در راستای جهش مبادلات تجاری با روسیه و با همکاری مشترک اتاق بازرگانی ایران و روسیه، بانک مرکزی و میر بیزنس بانک روسیه صورت گرفت. این اقدام علاوه بر سرعت‌بخشی در اجرای موافقت‌نامه‌های تجاری با روسیه، منجر به افزایش مبادلات مالی و تجاری ایران با کشورهای عضو اوراسیا می‌شود. در این شیوه با همکاری میر بیزنس بانک، هم ارز به سیستم ارزی کشور برگشت داده می‌شود و هم تسویه حساب ارزی با تاجر صورت می‌گیرد و واردکنندگان هم می‌توانند همین ارز را در تجارت خود استفاده کنند.^۳

همچنین در زمینه انتقال پول از طریق بانک‌های روسی، علیرضا پیمان‌پاک، قائم‌مقام وزیر سابق جهاد کشاورزی معتقد است که روسیه در همین شرایط کنونی می‌تواند برای ایران به آفریقا، کشورهای

1- Yang Lyu (2026): Innovating the global payment system through "greater BRICS cooperation". In Asian Review of Political Economy 5 (1), p. 7. DOI: 10.1007/s44216-026-00075-x. P. 12.

۲- کاظم جلالی، پیمان پولی ایران و روسیه وارد مرحله عملیاتی می‌شود (خرداد ۱۴۰۵)، <https://www.tabnak.ir>

۳- نائب رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه: احیای مجدد تجارت با روبل در مبادله تجاری با روسیه (آذرماه ۱۴۰۴)، [NizS/https://www.trib-news.ir](https://www.trib-news.ir)

حوزه مشترک المنافع (CIS)، کشورهای آمریکای لاتین و هند پول حواله کند. به نظر او بانک‌های بزرگ روسیه در شرایط کنونی (مرداد ۱۴۰۵) با بانک مرکزی ایران و بانک‌های تجاری ایران حساب فعال دارند و این در حالی است که تراستی‌ها پول را چهارماهه منتقل می‌کنند ولی بانک‌های روسیه این کار را برای ایران به صورت فوری انجام می‌دهند.^۱

در کنار این اقدامات، باید از سازوکارهای مستقیم تأمین ارز صادراتی برای واردات نیز استفاده کرد. بر اساس ابلاغ اتاق بازرگانی ایران در تیرماه ۱۴۰۵، برای برخی اقلام وارداتی امکان تخصیص ارز به صورت مستقیم و خارج از نوبت از محل ارز صادراتی فراهم شده است؛ به گونه‌ای که واردکننده می‌تواند با صادرکننده مشخص توافق کرده و معامله ارز را خارج از فرآیند تطبیق معمول در مرکز مبادله طلا و ارز انجام دهد. این سازوکار، به‌ویژه برای کالاهای مشمول مجوز وزارت صمت، جهاد کشاورزی و وزارت بهداشت، می‌تواند زمان دسترسی واردکنندگان به ارز را کاهش و پیوند میان صادرات و واردات را تقویت کند.^۲

در نهایت، ایران باید از وابستگی به یک نظام پرداخت واحد پرهیز کند. تجربه کشورهای تحت تحریم مانند روسیه نشان می‌دهد که ارزهای ملی، سامانه‌های پرداخت مستقل و پرداخت‌های دیجیتال هرکدام کارکرد متفاوتی دارند؛ تسویه با ارز ملی برای تجارت دوجانبه پایدار مناسب‌تر است، درحالی‌که پرداخت‌های دیجیتال برای تراکنش‌های پرتعداد و کوچک کارایی بیشتری دارند. با وجود این، تفاوت استانداردهای فنی، مقررات و نوسان نرخ ارز همچنان محدودیت‌های مهمی هستند. بنابراین، راهبرد مطلوب ایران، ایجاد یک سبد متنوع و تاب‌آور از کانال‌های پرداخت، شامل سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین، پیمان‌های پولی دوجانبه، اتصال شبکه‌های پرداخت ملی و سازوکارهای مستقیم ارز صادراتی است؛ رویکردی که هم ریسک تحریم را کاهش می‌دهد و هم امکان استمرار و توسعه تجارت خارجی را در شرایط عدم توافق افزایش می‌دهد.

۱- علیرضا پیمان‌پاک؛ روسیه می‌تواند همین الان برای ما پول به آفریقا، کشورهای CIS، کشورهای آمریکای لاتین و هند حواله کند (مرداد ۱۴۰۵). [۲۷۳۴۳=https://eghtesad120.ir/?p=۲۷۳۴۳](https://eghtesad120.ir/?p=۲۷۳۴۳)

۲- اتاق بازرگانی ایران، امکان تخصیص ارز مورد نیاز اقلام وارداتی (تیرماه ۱۴۰۵)، <https://service.tccim.ir/۵۸۴۶=event?id>

جمع‌بندی

سناریوی عدم توافق ایران و آمریکا به معنای توقف تجارت خارجی نیست، بلکه به معنای بازآرایی ژئواکونومیک تجارت ایران به نفع شرکای شرقی، همسایگان و اقتصادهای نوظهور است. مهم‌ترین ریسک‌ها تداوم محدودیت‌های مالی و بانکی، افزایش هزینه مبادلات، محدودیت دسترسی به فناوری و کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در مقابل، فرصت‌های اصلی شامل توسعه کریدورهای ترانزیتی (شمال-جنوب، شرق-غرب و جنوبی)، توسعه تجارت با اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس، گسترش صادرات غیرنفتی به بازارهای همسایه و بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به عنوان پل ارتباطی میان آسیا، اروپا و خلیج فارس است.

موفقیت ایران در محیطی که دچار از هم گسیختگی ژئوپلیتیک شده است، مستلزم ترکیب دیپلماسی اقتصادی فعال، تکمیل کریدورهای ترانزیتی، تنوع‌بخشی به نظام‌های پرداخت و تقویت روابط دوجانبه و نهادی با چین، روسیه، سازمان همکاری شانگهای، بریکس، اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای منطقه است. تاب‌آوری تجاری ایران در گرو حرکت از اقتصاد واکنشی به اقتصاد پیش‌بینانه، نقش‌آفرینی بیشتر بخش خصوصی و تبدیل عضویت در نهادهای چندجانبه به همکاری‌های عملیاتی است. مرزهای شمال‌غرب و شرقی، بندر جنوبی (به‌ویژه چابهار و شهید رجایی) و سامانه‌های پرداخت جایگزین (سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین، شتاب‌میر) ستون‌های اصلی این تاب‌آوری را تشکیل می‌دهند.

توصیه‌های سیاستی

- تنوع‌بخشی هدفمند به شرکای اقتصادی با اولویت همسایگان، آسیای مرکزی، چین، روسیه، هند، ترکیه، آفریقا و اعضای بریکس و تبدیل ایران از صادرکننده مواد خام به شریک در زنجیره‌های ارزش این کشورها.
- توسعه دیپلماسی کریدوری با تمرکز بر تکمیل کریدور شمال-جنوب (به‌ویژه راه‌آهن رشت-آستارا)، بندر چابهار، اتصال ریلی به همسایگان، فعال‌سازی مسیرهای زمینی شرقی و غربی، و



کاهش صف‌های مرزی و هزینه خواب کامیون‌ها.

- کاهش آسیب‌پذیری تحریم از طریق گسترش استفاده از ارزهای محلی، پیمان‌های پولی دوجانبه با روسیه، چین، ترکیه، عراق و پاکستان، اتصال تدریجی به سامانه پرداخت بین‌بانکی فرامرزی چین و سازوکارهای تهاتر و تخصیص مستقیم ارز صادراتی.
- تقویت دیپلماسی مالی با همکاری بانک‌های منطقه‌ای، نظام‌های پرداخت جایگزین (شتاب-میر، سامانه پرداخت بریکس)، نهادسازی برای تأمین مالی مشترک و بهره‌گیری از ظرفیت بانک توسعه جدید بریکس.
- دیپلماسی فناوری با هدف انتقال فناوری از کشورهای آسیایی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و مشارکت در زنجیره‌های ارزش چین و روسیه در حوزه‌های معدن، پتروشیمی، انرژی و فناوری‌های نوین.
- دیپلماسی صادرات با تمرکز بر کالاهای با ارزش افزوده بالا، توسعه برندهای ایرانی و بهره‌گیری از موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و ترجیحی در چارچوب اوراسیا و بریکس.
- ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده میان‌دستگاهی برای دیپلماسی اقتصادی و تدوین سند راهبرد ملی تعامل با نهادهای نوظهور، با میدان دادن بیشتر به بخش خصوصی.
- تسهیل کسب‌وکار بخش خصوصی در حوزه ترانزیت، هوشمندسازی گمرکات، رفع گلوگاه‌های فرایندی، و حرکت از اقتصاد واکنشی به اقتصاد پیش‌بینانه در مدیریت زنجیره تأمین.

تهران، خیابان طالقانی،
نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵
تلفن: ۰۲۱ ۸۵۷۳۰۰۰۰
ICCIMA.IR

